صدای مشاور

ستون صدای مشاور جایی برای بیان پرسش‌ها و مشکلات حقوقی شما شهروندان است که می‌توانید آن‌ها را با ما در میان بگذارید و پاسخ پرسش‌های حقوقی خود را از قضات دادگستری، وکلا و کارشناسان حقوقی دریافت کنید.

پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹
تلفن: ۰۵۱-۳۷۲۸۸۸۸۱-۵

در ضمانت تعارف را کنار بگذاریم

بانک هر مالی که چه از مدیون و یا ضامن شناسایی کند می‌تواند برای طلبش اقدام کند

فرزانه عمادی- در بحث ضمانت چه در امور مدنی و چه در امر بانکی، چنانچه مدیون بدهی را پرداخت نکند، ضامن مسئول پرداخت بدهی است. باید توجه داشته باشید که بانک هیچ تکلیفی ندارد که ابتدا به وام‌گیرنده و بعد به ضامن برای پرداخت وام بانکی مراجعه کند. بنابراین هر نوع مالی را که چه از مدیون اصلی و یا ضامن شناسایی کند، برای وصول مطالبات خود اقدام می‌کند.

در این صورت ضامن نمی‌تواند ادعا کند ابتدا برای وصول طلب به وام‌گیرنده مراجعه شود.

چنانچه وام‌گیرنده اموالی هم داشته باشد بانک این اختیار را دارد که برای وصول طلب خود از اموال ضامن استفاده کند و ضامن حق اعتراض ندارد.

در صورت کسر یک قسط از حقوق ضامن و یا پرداخت نقدی، ضامن می‌تواند برای مطالبه وجه و یا مبلغ پرداختی به وام‌گیرنده مراجعه کند و همچنین در صورت شکایت ضامن، دادگاه به شکایت او در این زمینه رسیدگی می‌کند.

داستان جنایی

نام تمام کوچه‌ها (قسمت آخر)

ایلیا موسایی| چه چیزها که آدم توی زندگی نمی‌بیند. آن موقع بهرام با مادرش زندگی می‌کرد. همه زندگی‌اش مادرش بود و این جریان کرونا باعث شده بود که با فاصله‌های زیاد غیب شود و توی درمانگاه‌ها و مراکز درمانی مشغول باشد و نتواند مادرش را ببیند. یک مصاحبه تلویزیونی هم از شبکه استان پخش شده بود که یک نفر از کادر درمان به گزارشگر می‌گفت که دلش برای مادرش تنگ شده و روزهاست که او را ندیده. چهره طرف را پشت آن ماسک نمی‌شد تشخیص داد اما همه مطمئن بودیم که این بهرام کمالیِ کوچه خودمان است. برای همین شایعه‌هایی که می‌گفتند مرده و فلان اتفاق و بهمان ماجرا برایش پیش آمده کم‌کم فراموش شدند و حالا دیگر مطمئن بودیم بهرام در یک گوشه از همین شهر دارد کمک می‌کند تا آدم‌های مبتلا زودتر سرپا شوند و برگردند پیش خانواده‌هایشان. آخرش خود بهرام گرفتار شد. مریضی افتاد به جانش و خودش بعدها گفت «پوستم ور آومد» توی قرنطینه فقط توانسته بود از پشت یک پلاستیک ضخیم مادرش را ببیند. دست‌هایش را گذاشته بود توی زایده‌های آستین مانند و مادرش را توی بغل گرفت. یکی از اهالی هم آنجا بود و عکسش را گرفت. توی همین حالی که مادرش دارد گریه می‌کند و اویی که مریض است به مادرش امید می‌دهد که چیزی نیست و همین روزهاست که عبور می‌کند و دوباره سرپا می‌شود. نفهمیدیم عکس را چه کسی گرفت چون بعدش همان را چاپ کرد و روی دیوار خانه بهرام چسباند. اهالی محل مراقب بودند کسی آن را نکند یا خرابش نکند تا اینکه زیر باران و باد و برف توی گرما و سرما پوسید و از بین رفت. انگار شده بود نمادی از همین کوچه و آدم‌هایش. اما چیزی که همه ما را غافل گیر کرد کرونا گرفتن بهرام نبود. خبر مرگش یکهو چسبید بیخ گلوی همه ما و نفسمان را حبس کرد. آن موقع هر روز یک شایعه‌ای دروغ و دَوَلی چیزی پخش می‌شد که آی فلان چیز برای پیشگیری خوب است و بهمان چیز کرونا را درمان می‌کند. معلوم نبود کدام کودنی با خودش دو دو تا چهار تا کرده بود که اگر الکل می‌تواند دست‌ها و وسایل را ضدعفونی کند و ویروس کرونا را بکشد پس خوردنش درمان اصلی درد است. راننده‌ای که باعث کشته شدن بهرام و یکی دو نفر دیگر از دوستانش شد مست بود. اعتراف کرده بود که برای درمان کرونا مشروب خورده تا خوب شود. ولی از بس گیج و گول شده‌ند انسته پشت فرمان نشسته. ماشینش نیسان آبی رنگی بود که با سرعت تمام توی مسیر می‌رانده. همان موقع بهرام با دو نفر دیگر توی پراید سفید بسته‌های ماسک و الکل گذاشته بودند که ببرند توی محله‌های بی‌بضاعت پخش کنند. یک مسیر دالان مانند از زیر همان جاده‌ای عبور می‌کرد که نیسان آبی داشت برای خودش می‌تازید. نیسان از مسیر منحرف می‌شود. چراغ سمت چپش به گاردریل برخورد می‌کند و نیسان از زمین کنده می‌شود تا با شدت تمام روی پراید سفید بهرام و دوستانش فرود بیاید. درست مثل این بود که با یک پتک عظیم کوبیده باشند روی آن پراید. هم بهرام و هم دوستانش در جا می‌میرند. راننده نیسان پیشانی‌اش شیشه جلو را می‌شکند و بدنش تا نصفه روی کاپوت قی می‌شود. و همین طوری با حماقتش دفتر عمر بهرام کمالی را می‌بندد. همه اهل محل برای مراسم آمده بودند. بدون اینکه حتی یک نفر جا بماند. بعد از آن، مادرش عکس او را بالای در خانه چسباند. این طوری از هرکجای شهر که می‌خواستی آدرس خانه‌شان را بدهی کار آسان بود. کوچه بهرام کمالی، همان خانه‌ای که بالای درش عکس یک جوان دارد می‌خندد. کوچه ما توی این چند سال مدام اسم عوض کرد. هی می‌آمدند و تابلو را عوض می‌کردند اما برای ما اسمش ثابت مانده بود. کوچه ما کوچه بهرام کمالی بود. مثل همه کوچه‌های دیگر شهر که هرکدام اسم خودشان را دارند. شاید اگر خودش بود چیز دیگری می‌گفت یا اسم کوچه را عوض می‌کرد. حتما می‌گفت که خودش کاره‌ای نبوده و فقط از آن بچه ده ساله یادگرفته که زودتر از همه جایش را بدهد به کسی که بیشتر نیاز دارد. اگر بود حتما می‌گشت و اسم همان بچه ده ساله را می‌گذاشت روی کوچه.

پایان

قتل با ۲۰ ضربه چاقو

اختلاف کهنه خانوادگی به جنایت ظهرگاهی در وسط خیابان ختم شد

مهدی قرآنی

همه چیز به سرعت اتفاق افتاد. تا مردم به خودشان بیایند مرد جوان به جان یک زن افتاد و با ضربات متعدد چاقو، او را از پای درآورد و بعد هم از محل گریخت. در حالی که زن جوان داخل خودرواش غرق در خون بود و نفس‌های آخرش را می‌کشید موضوع به پلیس و اورژانس اعلام شد و تانیروهای انتظامی و امدادی به محل برسند، زن به دلیل خون‌ریزی شدید جان باخت.

خبر فوت قتل گونه زن جوان خیلی زود داخل بیسیم‌های پلیس پیچید و زمانی نگذشت که چند خودرو ویژه انتظامی آژیرکشان به قاب این صحنه دل‌خراش اضافه شدند. بررسی‌های اولیه به همراه اظهارات چند شاهد میدانی حاکی از وقوع جنایت بود و همین امر موجب شد تا موضوع به بازپرس ویژه قتل عمد دادسرای مشهد اعلام شود. با حضور مقام قضایی در صحنه جنایت، دستورهای ویژه صادر شد و گروهی از کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی مسئول جمع‌آوری اطلاعات میدانی و تیمی دیگر نیز برای شناسایی عامل این قتل دل‌خراش وارد عمل شدند.

جسد متوفی نیز که در پی شدت ضربات وارده با شیء برنده غرق در خون بود از داخل خودرواش بیرون کشیده شد و برای تعیین علت دقیق فوت به پزشکی قانونی انتقال یافت.

بررسی‌های میدانی پلیس که منجر به جمع‌آوری مستنداتی درباره این جنایت شد، نشان از این نکته داشت که قاتل راه مقتول را سد کرده و سپس به او حمله‌ور شده است. این حادثه دل‌خراش در خیابان الهیه ۱۵ رخ داد که طبق اظهارات چند شاهد، مقتول سوار بر خودرواش در حال حرکت در خیابان بوده که قاتل با یک دستگاه خودرو دیگر به او نزدیک شده و جلو قربانی می‌پیچد و راه او را می‌بندد. تا زن به خودش بیاید قاتل که مردی جوان بوده به سمت زن حمله برده و با یک چاقو او را به قتل رسانده است. مأموران پس از جمع‌آوری اطلاعات به دست آمده فرضیه اینکه قاتل از نزدیکان یا خویشاوندان مقتول است را طرح و موضوع را به بازپرس جنایی دادسرا اعلام کردند.

تحقیقات بعدی این پرونده فرضیه پلیس را تأیید و مشخص کرد که او از آشنایان مقتول بوده و با وی اختلافات قبلی داشته است.

قاتل شناسایی شد

بازپرس ویژه قتل عمد دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۲ مشهد در توضیح دیگر ابعاد این پرونده جنایی گفت: این حادثه ظهر روز پنجشنبه بیست و ششم خرداد در بولوار الهیه مشهد رخ داد که در آن زنی حدود ۳۵ ساله با ضربات متعدد چاقو داخل خودرواش به طرزی دل‌خراش به قتل رسید.

قاضی محمود عارفی راد افزود: شهروندان به محض مشاهده این حادثه، بلافاصله موضوع را به پلیس گزارش می‌کنند. تا مأموران در محل حاضر می‌شوند، متهم از محل می‌گریزد. در همان ابتدا فرضیه نسبت داشتن متهم با مقتول مطرح شد که پس از شناسایی وی در مشهد این فرضیه تأیید شد.

این مقام قضایی مشهد اعلام کرد: متهم شناسایی شده و تحقیقات درباره این پرونده جنایی ادامه دارد.

عکس: تزئینی است

مرگ تلخ در حوض خون

محمد جواد ابوعطا| مردی مشهدی پس از سقوط به درون یک استخر کم عمق به طرز دل‌خراشی جان خود را از دست داد. ماجرای این حادثه به عصر پنجشنبه برمی‌گردد. فردی در تماس تلفنی با سامانه ۱۲۵ آتش‌نشانی مشهد از سقوط مردی درون یک استخر که موجب جان باختن او شده بود خبر داد. آن‌ها به دلیل وجود تجهیزات برقی درون استخر قادر به بیرون آوردن پیکر نبودند. با حضور نجاتگران آتش‌نشانی در محل حادثه که باغ ویلایی در یکی از روستاهای اطراف مشهد بود، مشخص شد که جسد متعلق به مردی میان‌سال است که پس از سقوط درون استخر احتمالا سرش با موتور کفکش برخورد کرده و همین موضوع منجر به مرگش شده و پس از آن نیز به علت خون‌ریزی شدید آب استخر قرمز شده بود. این حادثه در حالی رخ داده بود که مقدار آب کمی در این استخر عمیق وجود داشت لذا احتمال غرق شدن منتفی بود. از آنجا که این استخر عمیق دارای نردبان بوده و فرد به راحتی می‌توانسته خودش را بالا بکشد، فرضیه سقوط از روی نردبان یا لبه استخر محتمل بوده است. اما علت سقوط احتمالی نیازمند بررسی‌های تخصصی مقامات انتظامی و قضایی بود، آتش‌نشان پس از قطع برق توانستند پیکر بی‌جان متوفی را از حوض خون، به سطح زمین منتقل کنند. آتش‌نشانان پس از بیرون کشیدن پیکر متوفی، جسد را به منظور انتقال به پزشکی قانون و بررسی‌های تخصصی تحویل نیروهای انتظامی مستقر در محل دادند.

بخشش مادرانه به چند بیمار نیازمند

ابوعطا| مادر پنجاه و یک ساله مشهدی، در پی انجام پیوند عضو، نجات بخش سه بیمار نیازمند به عضو شد و نور امید را به چشمان دو نفر از این بیماران تاباند. تازه‌ترین عمل پیوند عضو در مشهد تقریبا از حدود دو هفته قبل کلید خورد، درست از روزی که معصومه رنجبر به علت حادثه‌ای به بیمارستان امام زمان(عج) مشهد منتقل شد. روزها پشت سر هم می‌گذشت و نه تنها در وضعیت سلامت این مادر تغییری حاصل نمی‌شد، بلکه روز به روز امید برای زنده ماندنش کمتر می‌شد، تا جایی که در نهایت پزشکان در بررسی آخرین آزمایش‌های این بیمار تشخیص دادند که او دچار مرگ مغزی شده و به زودی برای همیشه از دنیا خواهد رفت.

با اعلام موضوع به خانواده مرحوم رنجبر، آن‌ها در شرایط سختی قرار گرفته بودند، از سویی ممکن بود هر لحظه تعدادی از بیماران نیازمند به عضو جان ببازند و از سویی دل کندن از مادر در توانشان نبود.

آن‌ها سخت‌ترین تصمیم زندگی‌شان را گرفتند و با اهدای عضو موافقت کردند و در پی انجام عمل اهدای عضو پس از رضایت این خانواده، قرنیه‌های زنده یاد معصومه رنجبر برای پیوند به بانک چشم دانشگاه علوم پزشکی مشهد ارسال شد. همچنین قسمتی از پوست این مرحوم نیز برای پیوند به بیماران بخش سوختگی بیمارستان امام رضا(ع) مشهد ارسال شد.

از آتش‌سوزی خاص تا تصادف در بزرگراه بی‌نام

محمد جواد ابوعطا

پنجشنبه گذشته مشهد آبستن حوادث خاصی بود که هرکدام از آن‌ها می‌توانست به قیمت داغ‌دار شدن خانواده‌ای باشد، اما آتش‌نشانان مشهدی با مجاهدت و از خودگذشتگی به کمک شهروندان رفتند تا جلو خسارت بیشتر به یک خانواده روستایی را بگیرند، به حادثه‌ای خاص در بولوار امام رسیدگی کنند و مصدومی گرفتار درون خودرو له شده در بزرگراه بی‌نام را نجات دهند.

آتش در روستای فراگرد

ماجرای آتش‌سوزی در یک منزل روستایی از آنجا مهم شد که افراد تماس‌گیرنده با آتش‌نشانی مشهد اعلام کردند اعضای یک خانواده درون آتش محبوس شده‌اند. با توجه به اهمیت حادثه بلافاصله امدادگران دو ایستگاه به محل حادثه واقع در روستای فراگرد اعزام شدند.

با حضور آتش‌نشانان مشخص شد که هیچ فردی درون آتش گرفتار نشده و تماس‌گیرندگان اشتباهی گزارش داده‌اند. امدادگران بلافاصله برای خاموش کردن آتش دست به کار شدند و حریق را مهار کردند. وجود یک میز چوبی در دل آتش‌سوزی موجب بروز دود گرفتگی شدید در این منزل شده و با وجود کوچکی حادثه دود ناشی از سوختن میز موجب دود گرفتگی کل منزل شده بود.

تدابیری خاص برای حادثه‌ای خاص

آتش‌سوزی کنتورهای برق به خصوص در فصل تابستان یکی از حوادث پرشماری است که شهروندان با آن دست و پنجه نرم می‌کنند. اما موضوع اطفای حریق کنتورهای برق نیازمند اقدامات خاصی است و در این حوادث فردنمی‌تواند شیلنگ آب را باز کرده و آتش را خاموش کند، زیرا در این صورت خودش دچار برق گرفتگی می‌شود، استفاده از کپسول‌های اطفایی پودری هم احتمال انتقال برق را دارد و تنها باید از کپسول‌های ویژه CO_2 برای اطفای حریق استفاده شود. روز پنجشنبه آتش‌سوزی یک کنتور برق در بولوار امام آتش نشانان را به محل کشاند. دود شدید ناشی از سوختن کابل‌ها و جرقه‌های ناشی از حادثه موجب وحشت اهالی ساختمان و محله شده بود که امدادگران بلافاصله با استفاده از تجهیزات خاص حادثه را مهار کردند.

برخورد در بزرگراه بی‌نام

یکی دیگر از حوادثی که پنجشنبه در مشهد رخ داد، مربوط به برخورد یک خودرو پراید با کمپرسی بنز ۹۱۱ قدیمی در نزدیکی دور برگردان سجادیه به سمت میدان نمایشگاه (پل آزادگان) بود که راننده پراید درون خودرو محبوس شده بود. احتمال آسیب دیدن نخاع راننده و یک حرکت اشتباه که می‌توانست به قطع نخاع راننده منجر شود، موضوعی بود که شهروندان را بیرون کشیدن راننده برحذر داشته بود و آتش‌نشانان پس از حضور در محل با نظارت تکنیسین‌های اورژانس این فرد را به شکل ایمن از خودرو خارج و برای درمان به بیمارستان اعزام کردند. هنوز مشخص نیست که خودرو پراید با کامیون پارک شده در حاشیه بزرگراه برخورد کرده یا هر دو خودرو در حال حرکت بوده‌اند. موضوعی که آن را تحقیقات کارشناسان پلیس راهور نشان خواهد داد.

اخبار جهان

بارش‌های فصلی ۱۲ کشته داد

پاکستان- صداوسیما/ هم‌زمان با آغاز بارندگی‌های فصلی در پاکستان و حوادث گوناگون ناشی از بارش باران، در شبانه روز گذشته دست‌کم ۱۲ نفر جان خود را در توفان وسیل از دست دادند. توفان و سیل موجب تخریب و فروریختن تعداد زیادی خانه در نواحی مختلف ایالت پنجاب شده است.

بزرگ‌ترین میدان گازی روسیه آتش گرفت

روسیه- باشگاه خبرنگاران جوان/ منابع خبری روسیه اعلام کردند که بزرگ‌ترین میدان گازی این کشور، دچار حریقی مهیب شد این حادثه در میدان گازی اورنگوی در منطقه «یامالو-ننتس» سیبری رخ داده است. این آتش‌سوزی در پی ترکیدن یک لوله اتفاق افتاد. میدان گازی اورنگوی، بزرگ‌ترین میدان گازی روسیه و دارای بزرگ‌ترین ذخایر گاز فعال در جهان است. این حادثه تلفات جانی نداشته است.

اثبات بی‌گناهی ۹۱ سال پس از اعدام

آمریکا- صداوسیما/ یک نوجوان شانزده ساله سیاه پوست آمریکایی ۹۱ سال پس از آنکه به جرم قتل اعدام شده بود، حالا با نظر دادگاه بی‌گناه شناخته شد. دادگاه پنسیلوانیا در شرق آمریکا به بی‌گناهی الکساندر مک کلی ویلیامز اذعان کرد و این موضوع را به اطلاع تنها خواهر بازمانده او که ۹۲ سال دارد، رساند.

تیراندازی مرگ‌بار در کلیسا

آمریکا- تسنیم/ پلیس ایالت آلاباما ی آمریکا اعلام کرد که فردی مسلح کلیسای شهر بیرمنگام را به رگبار بست. مهاجمان به سوی گروه کوچکی که در یک گردهمایی در کلیسا «سنت استفانز اپیسکوپال» حضور داشتند شلیک کردند. به گفته پلیس در این حادثه دو نفر جان خود را از دست دادند. بر اساس اعلام پلیس فرد مهاجم در بازداشت به سر می‌برد. همچنین یک نفر نیز در اثر این حادثه زخمی شده که در بیمارستان به سر می‌برد. علت این تیراندازی در دست بررسی است.